ادبیات فارسی معاصر و عوامل تغییر دهنده آن

غروی، مهدی

در عصری که ما زندگی می‏کنیم ادبیات فارسی با ویژگیهای نوظهور و دامنه‏دارش یک پدیده انقلابی شگفت‏انگیز است اگر بتوانیم زندگی دراز این میراث گرانقدر خود را در سه دوران مشخص محدود سازیم باید اذعان‏ کنیم که اکنون مدتی است که چهارمین دوران این حیات ثمربخش آغاز شده‏ است و اگر این سه دوره را بناهای عصر آغاز و تکوین عصر پختگی و اوج‏ دوران سکون و انحطاط ملقب سازیم این دوران نوین را باید عصر گسترش و بارآوری نام دهیم گسترش از اینروی که ادبیات فارسی نیز مانند ادبیات دیگر ملل جهان شده است و پیرایه‏های نو آورد بخود بسته است و چون مانند هر پدیده دیگر ادبیات نیز درین عصر کم‏وبیش تابع اقتصاد نوین است باروری‏ باید از خصوصیات آن باشد درین عصر آنچه بارور نیست و بازده اقتصادی ندارد خواهد مرد.

\*\*\* بدون شک برای هر ایرانی که از کشمیر بازدید می‏کند نخستین‏ مسئله‏ای که مطرح می‏شود مطابقه ایران با کشمیر یا ایران کبیر با ایران صغیر است‏ و من بخوبی میتوانم ادعا کنم که واقعا کشمیر ایران صغیر است و از لحاظ آب و هوا و اقلیم‏ و محصولات و ذوقیات مردم و قیافه‏ها و نحوه زندگی و هنر دوستی و هنر شناسی و خصوصیات دیگر با ایران همانندگی بسیار دارد اخیرا در کتابی بنام‏ TRA VELS IN KASHMIR که بسال 1842 توسط یک انگلیسی نوشته‏ شده است می‏خواندم که نویسنده کشمیر را انگلستان کوچک در قلب آسیا خطالب کرده است.

وقتیکه درباره این مطلب با دوست دانشمندم دکتر شمس الدین‏ احمد استاد و رئیس بخش ادبیات فارسی دانشگاه کشمیر سخن گفتم وی مدتی‏ خیره‏خیره بمن نگریست و گفت اگر کشمیر مدل کوچکی از یک کشور دیگر باشد آنکشور هیچ‏جا جز ایران نیست و ما این لقب را که شاعر بزرگوار و فیلسوف و رهبر متفکر و عالیقدر اقبال بارها گفته و نوشته است با جان و دل‏ می‏پذیرم.

\*\*\* بررسی عوامل تغییردهنده ادبیات فارسی بصورت آن بدون توجه به‏ ویژگیهای آن عوامل تکوین‏کننده آن درست نیست و بهتر است که پیش از تشخیص این عوامل کمی بعقب برگردیم و خصوصیات ادبیات فارسی معاصر را که ره‏آورد تلاشهای دویست ساله پدران ماست از نو برشمریم و بدین تدبیر راه را برای بررسی که در پیش داریم هموار سازیم بشرح زیر:

1-گسترش در قلمرو ایرانشناسی.

2-گسترش در قلمرو ادبیات جهانی.

3-همراهی و همکاری بیشتر با هنرهای تجسمی و نمایشی.

4-حصول بمرتبه واقع‏نگری و دوری از خیالپروری و توهم.

5-آزاد شدن از قیود محدودکننده اجتماعی.

6-آزاد شدن از قیود محدودکننده ادبی.

7-آمیختگی مشروط با سیاست و حقوق ملی و جهانی.

8-دربرگیری فرهنگ و ادبیات عامیانه.

9-توجه به ادبیات فارسی در خارج از حدود جغرافیائی ایران‏ رایج و منسوخ.

نیازی نیست که درینجا به بازبینی و تشریح این مراتب بپردازیم‏ زیرا هنگام بررسی عوامل تغییردهنده که منجر به ثبوت این مراتب گردید این بحث را خواهیم داشت و مطلب خودبخود روشن و شکفته خواهد شد.

جهان امروز عصری سریع و پرتحول را میگذراند و بدرستی هرگز نمیتوان‏ آینده حتی آینده خیلی نزدیک را هم پیشگوئی کرد درین جهان پیشرفته و متمدن‏ حتی جوامع حساب‏گر و برنامه‏ریز هم آنچنان نگران آینده‏اند که با تزلزل‏ و کمک به اینهمه وسایل پیشگوئی و طراحی اجتماع می‏نگرند زیرا نسل‏ جوان از این طراحیها و پیشگوئیها روی‏گردان شده است و در جستجوی‏ حقیقت از عوامل مکتوب و منظوم و مدرن روی‏گردان است.درین‏باره قدری‏ توضیح می‏دهیم.